

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۱۴ و ۱۵، تابستان و پاییز ۱۳۹۲، ویژه فلسفه و کلام

بررسی و نقد شبهات مربوط به رابطه دین و اخلاق از نظر آیت الله مصباح یزدی

تاریخ دریافت: ۹۳/۱/۲۵ تاریخ تأیید: ۹۳/۲/۲۸

ستار سبحانی نیا

چکیده: یکی از مهم‌ترین مباحث فلسفه اخلاق، بحث رابطه دین و اخلاق است. این بحث از با سابقه‌ترین مباحث فلسفه اخلاق به شمار می‌رود و شاید بتوان آن را از نخستین مسائل فلسفه اخلاق در یونان باستان به شمار آورد. نیز می‌توان در میان اندیشمندان مسلمان مسئله دین و اخلاق را از کهن‌ترین و پرنزاع‌ترین مسائل فلسفه اخلاق به شمار آورد، گرچه به این عنوان نبوده بلکه تحت عنوانی چون حسن و قبح افعال مطرح بود. به طور کلی همه دیدگاه‌های مطرح شده را می‌توان تحت سه دیدگاه کلی تباین، اتحاد، تعامل فرض کرد، عده‌ای اعتقاد دارند که بین دین و اخلاق تباین وجود دارد و بین آنها هیچ رابطه‌ای نیست. برخی هم معتقدند که بین دین و اخلاق اتحاد وجود دارد. برخی دیگر هم قائل به رابطه تعامل بین دین و اخلاق می‌باشند. آیت الله مصباح یزدی نیز به عنوان یکی از اندیشمندان مسلمان در مورد رابطه دین و اخلاق اعتقاد دارند که دین و اخلاق از جهت مبنایی با هم اتحاد و وحدت دارند و این وحدت به شکل جزء و کل می‌باشد. یعنی اگر دین را به عنوان یک کل در نظر داشته باشیم، اخلاق بخشی از ارکان اصلی این کل به حساب می‌آید. اخلاق بخشی از دین است. زمانی که ما دین را تعریف می‌کنیم و اجزاء آن را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که اخلاق یکی از سه جزء دین است و اخلاق اگر بخواید ثابت و بدون تغییر باشد ضامن لازم دارد و آن چیز غیر از توحید نمی‌باشد و از طرف دیگر ایمان نیز بوسیله اخلاق کریمه حفظ می‌شود. لذا نسبت به این دیدگاه اشکالاتی مطرح شده که از منظر استاد مصباح به آنها پاسخ خواهیم داد.

واژگان کلیدی: دین، اخلاق، رابطه دین و اخلاق و شبهات.



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني

«دین مجموعه‌ای است از باورهای قلبی، و رفتارهای عملی متناسب با آن باورها» که در بخش باورها، اعتقاد به یگانگی خدا و صفات جمال و جلال او، اعتقاد به نبوت و اعتقاد به معاد قرار دارد که از آن به «اصول دین» یا «اصول عقاید» تعبیر می‌شود؛ و در بخش رفتارها نیز کلیه رفتارهای متناسب با باورها که بر حسب اوامر و نواهی الهی و به منظور پرستش و بندگی خدای متعالی انجام می‌گیرد که از این بخش به عنوان «فروع دین» یاد می‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۹)

مفهوم اخلاق

«اخلاق» در اصل، واژه‌ای عربی است که مفرد آن «خلق» و «خلق» می‌باشد. در لغت به معنای «سرشت و سجیه» به کار رفته است؛ اعم از این که سجیه و سرشتی نیکو باشد مانند جوانمردی و دلیری، یا زشت و ناپسند باشد مثل فرومایگی و بزدلی. لغت شناسان عموماً آن را با واژه «خلق» هم ریشه دانستند. وقتی گفته می‌شود فلان کس خلق زیبایی دارد، یعنی نیرو و سرشت یا صفت معنوی و باطنی زیبا دارد. در مقابل، هنگامی که می‌گویند فلان کس خلق زیبایی دارد، به معنای آن است که دارای افرینش و ظاهری زیبا و اندامی سازگار است. (الزبیدی، ۱۳۷۹، ص ۳۳۷)

از نظر استاد مصباح، اخلاق جمع خلق است در اصل لغت به معنای یک صفت نفسانی است، یا یک هئیت راسخه، یک حالتی که در نفس رسوخ داشته باشد. و موجب این شود که افعالی متناسب با آن صفت هست بدون احتیاج به تروی، یعنی فکر کردن، سنجیدن، از انسان صادر شود. مثلاً خلق سخاوت یک حالت نفسانی است که کسانی که این خلق را دارند در موقع بذل و بخشش که می‌شود، دیگر دچار تردید نمی‌شود که آیا بخشش کنند یا نه، این ملکه راسخه، انسان را مستغنی می‌کند از این که درباره کاری که می‌خواهند انجام دهند تفکر



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز
پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز

رابطه دو شیء نیست. تنه هم جزء خود درخت است. در این تصور یک نوع اتحاد بین دین و اخلاق در نظر گرفته می‌شود که یکی در درون دیگری جا بگیرد.

سوم: این که هر کدام یک هویت مستقلی دارند اما هویتی است که در عین حال با هم در تعامل هستند و با یکدیگر در ارتباطند و در یکدیگر اثر می‌گذارند، یعنی این گونه نیست که بکلی متباین از هم باشند و هیچ ارتباط منطقی بین آنها برقرار نباشد بلکه یک نوع رابطه علیت و معلولیت، تاثیر و تأثر یا فعل و انفعال و به طور کلی یک نوع تعامل بین دین و اخلاق وجود دارد، ولی این معنایش این نیست که دین جزئی از اخلاق است یا اخلاق جزئی از دین است و یا اینکه اینها کاملاً از هم متباینند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص ۲۱۶)

بررسی و نقد شبهات مربوط به رابطه دین و اخلاق از نظر آیت الله مصباح یزدی

با توجه به مقدمات گذشته لازم است در اینجا به نقد و بررسی اشکالات مربوط به بحث رابطه دین و اخلاق از منظر استاد مصباح یزدی پرداخته شود. این اشکالات را در ذیل سه عنوان مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱- اطلاق یا نسبییت ارزش‌های اخلاقی

یکی از مباحث مهم در مکاتب متفاوت فلسفه اخلاق این است که آیا اخلاق نسبی است یا مطلق؛ به این معنا که آیا ارزش‌های اخلاقی به تناسب افراد، زمان و مکان و سایر شرایط تغییر می‌کنند یا پیوسته ثابتند.

در پاسخ به این پرسش دو رویکرد وجود دارد: «کانت و پیروانش» معتقدند که ارزش‌های اخلاقی مطلقند. کانت می‌گوید: راست گفتن مطلقاً یک ارزش است ولو اینکه این راست گفتن موجب قتل هزاران انسان شود، مثلاً اگر از شما پرسند که راه ورودی این شهر از کجاست و



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز
پښتونستان جامع علوم انساني

لخلق الله» پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند انسان‌ها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست. (روم، آیه ۳) چون فطرت الهی تغییرناپذیر است، ارزش‌هایی نیز که مبتنی بر فطرت هستند تغییرناپذیراند.

۲- اضرار دین به اخلاق

یکی از نقدهایی طرفدار اخلاق سکولار بر اخلاق دینی، این است که ورود دین در عرصه اخلاق، موجب از بین رفتن دین شده و نتیجه آن در نهایت، به ضرر اخلاق تمام می‌شود. مهم‌ترین شاهد این مدعا، وجود برخی دستورات دینی است که به ظاهر، خلاف اخلاق و ارزش‌های اخلاقی می‌باشد. بنا بر این ورود دین در حوزه اخلاق به ضرر اخلاق می‌باشد. با این توضیح به برخی از شبهاتی که با این رویکرد مطرح شده است اشاره می‌کنیم.

۲-۱. سست شدن پایه‌های اخلاق به دلیل خردگریزی دین

از جمله دلایلی که در نفی اخلاق دینی بیان شده، عدم وجود باور یقینی و قطعی در امور دینی است. از این منظر، گزاره‌های دینی فراتر از چارچوب عقلند و عقل انسانی در نفی و اثبات آنها نمی‌تواند حرفی بزند. برای مثال، جاودانگی و بقاء پس از مرگ توسط عقل قابل اثبات و یا نفی نیست، یا اصل اینکه خدا وجود دارد قابل رد و اثبات نمی‌باشد. به عبارت دیگر، اگر نتوان گفت گزاره‌های دینی خردستیز هستند، اما دست کم خردگریزند و بر این اساس، از نظر کانت، اخلاقی که مبتنی بر چنین گزاره‌هایی باشد، سست خواهد بود. (سربخشی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۲)

آن چه در این باره می‌توان گفت، این است که این اشکال ریشه در شکاکیت معرفت-شناسی و بدون این شکاکیت ابراز چنین اشکالی وجود ندارد. لذا شکاکیت به طور مطلق در باب معرفت‌شناسی مورد قبول انسان عاقل نیست. یکی از عوامل رواج شکاکیت در غرب نقد عقل محض توسط کانت می‌باشد، اما امروزه حتی معرفت‌شناسان غربی نیز به طور مطلق به



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني

براساس اخلاق دینی، انسان‌ها به شهروند درجه یک و درجه دو تقسیم شده‌اند و همه از حقوق و جایگاه اخلاقی یکسانی بهره‌مند نیستند. در حالی که، اخلاق سکولار به انسان، از آن جهت که انسان است، می‌نگرد، نه از آن جهت که مؤمن به یک دین و یا منکر دین دیگر است. (سریخشی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۷)

تفاوت در رفتار، امری نیست که هیچ مکتب اخلاقی منکر آن باشد. مسلم است که انسان در برابر افراد مختلف رفتارهای مختلفی را از خود بروز نشان می‌دهد. به عنوان مثال، نوع رفتاری که یک انسان در برابر پدر و مادر خود نشان می‌دهد، با رفتاری که در برابر یک غریبه در پیش می‌گیرد یکسان نیست. بی‌توجهی به غریبه، بی‌اخلاقی تلقی نمی‌گردد. اما به پدر و مادر، در بیشتر مکاتب اخلاقی ناپسند شمرده می‌شود، علاوه بر این، اخلاق دینی به خصوص اخلاقی که دین اسلام ارائه کرده است، در این امر کاملاً نگاهی مترقی داشته است. در منشور امیرمومنان (ع) به مالک اشتر، یکی از توصیه‌ها به مالک این است که، با همه انسان‌ها با محبت و لطف رفتار کند؛ زیرا انسان‌ها دو گروهند: یا برادران دینی او هستند، یا انسان‌هایی هستند که در خلقت با او هم‌سازند. حضرت در این فراز از نامه خود، هم‌سانی در خلقت را ملاک قرار داده و توصیه می‌کند رفتار مالک اشتر، بر همین اساس، مهربانانه و با لطف باشد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ ج ۳ ص ۴۱۷)

۳-۲. ثبات قواعد اخلاق دینی و تغییر در جهان

از اشکالاتی که می‌توان به اخلاق دینی وارد کرد این است که، اخلاق دینی، اصول و قواعد اخلاقی آن ثابت و تغییر ناپذیرند. در حالی که جهان متغیر، نیازمند اصول اخلاقی متغیر می‌باشد؛ از این رو، در اخلاق سکولار، قواعد اخلاقی و هنجارهای ارزشی، متناسب با تغییرات



پښتونستان ښوونځي
پښتونستان ښوونځي
پښتونستان ښوونځي

نظر گرفتن هر امر خارجی، اعم از آثار، اهداف و شرایطی که ممکن است یک فعل داشته باشد، ثابت بوده و هیچ‌گونه تغییری در آنها جایز نیست. به عبارت دیگر، گویا از نظر ایشان هرگونه تغییر در یکی از احکام اخلاقی، موجب از بین رفتن آن و تبدیل شدن عمل به یک عمل ضداخلاقی خواهد شد. کانت معتقد است که قتل یک انسان بی‌گناه، مطلقاً یک ضدارزش است. هیچ قید و شرطی نمی‌تواند موجب تغییر این حکم شود. به اعتقاد وی، ما باید به وظیفه و تکلیف خود عمل کنیم؛ صرف نظر از نتایج و اهدافی که این عمل ممکن است به بار آورد. آنچه وظیفه ما را مشخص و معین می‌کند، حکم عقل است. از نظر وی، عقل می‌گوید هیچ کس حق ندارد یک انسان بی‌گناه را به قتل برساند. ارتکاب چنین عملی ضداخلاقی است. به نظر می‌رسد، عنصر اساسی این دیدگاه، نفی رابطه رفتارهای اختیاری انسان و اهداف و آثار مترتب بر آنها و به تعبیر دقیق‌تر، نفی داوری درباره ارزش رفتارها براساس تأثیری است که بر جای می‌گذارند. اما در نظر ما، ارزش هر رفتاری براساس آثاری است که بر آن مترتب می‌شود و نیز اهدافی است که از انجام آن مد نظر قرار دارد. به عبارت دیگر، ارزش اخلاقی هر فعلی، تابع اثری است که بر هدف نهایی انسان، که همان مصلحت واقعی و کمال انسانی اوست، می‌گذارد. بنابراین، اگر فعلی به مصلحت واقعی وی بود، هرچند در ظاهر امر، به نظر غیراخلاقی برسد و یا در برخی شرایط دیگر غیراخلاقی باشد، نمی‌توان به غیراخلاقی بودن چنین حکمی فتوا داد. نکته‌ای که فهم این مسئله را آسان می‌کند، توجه به مسئله مالکیت و علم خداوند متعال است. منظور این است که خداوند متعال بر اساس علم مطلق و بی‌نهایتی که دارد، به خوبی می‌داند چه فعلی به صلاح واقعی انسان است. با توجه به مالکیت حقیقی خداوند نسبت به تمام انسان‌ها، مشکل اخلاقی و حقوقی ندارد؛ زیرا مالک حق دارد در مملوک خویش، هر تصرفی را که به مصلحت می‌داند، اعمال نماید، کسی نمی‌تواند نسبت به این تصرفات اعتراض نماید. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۴۰)



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز
پرتال جامع علوم انساني

حبّ ذاتی باشد و مکتب اخلاقی‌ای درست خواهد بود که بتواند با در نظر گرفتن این امر، به توصیه‌های اخلاقی پرداخته و وظایف اخلاقی فرد را به نحوی تعیین نماید که مخالف این حبّ نباشد. (همان ج ۲ ص ۷۲-۷۶)

۲-۶. حکم اباحه در اخلاق دینی

اخلاق دینی فضای خالی زیادی برای انسان‌ها باقی گذاشته است. به عبارت دیگر، در اخلاق دینی، علاوه بر خوبی و بدی، اباحه هم وجود دارد. در حالی که، افعال در عالم خارج، بالاخره یکی از دو حکم «خوب» یا «بد» را دارا است. و هیچ فعلی ممکن نیست خالی از یکی از این دو حکم باشد. حاصل آنکه، از نظر اخلاق یکی از دو فعل مقابل، بهتر از دیگری می‌باشد. بنابراین، همان حسن و دیگری قبیح خواهد بود. در حالی که، اخلاق دینی می‌گوید افعالی وجود دارند که مباح می‌باشند. (سربخشی، ص ۱۵۸)

ارزش کار اخلاقی بستگی به نیت آن دارد؛ بنا بر این کیفیت و سنخیت هر فعلی هم متناسب با همان نیت می‌باشد. یعنی یک کار خوب باید یک کار شایسته‌ی قابل تقدیر باشد، یعنی در رسیدن انسان به کمال نقشی داشته باشد. بنا بر این هر کاری که صورت بگیرد یا انجام نشود به نیت فاعل آن وابسته است اگر فاعل این کار آن را با نیت خوبی انجام داد یا ترک کرد، این عمل عنوان حسن به خود می‌گیرد. لذا این که خود کار یک عنوانی داشته باشد کافی نیست به تعبیر دقیق حسن فعلی تنها در یک عمل اخلاقی کافی نمی‌باشد و حتما باید آن عمل اخلاقی از حسن فاعلی که همان داشتن یک نیت درست و خوب می‌باشد بهره‌مند باشد. زیرا هرگز یک نیت خوب با یک کار قبیح همراه نمی‌باشد و نیت درست حتما حسن فعلی یک عمل را اقتضا می‌کند و این سنخیت بین نیت و حسن فعلی یک عمل وجود دارد.



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښتی
پرتال جامع علومو انسانی

استاد مصباح در نقد نکته نخست بیان می‌کنند که، باید گفت، چندان روشن نیست که چگونه اعتقاد به آتش اخروی، شکنجه و بی عدالتی دنیوی را رونق می‌بخشد، اخلاق دینی نه تنها باعث رواج بازار بی عدالتی نمی‌باشد، بلکه با تاکید بر این نکته که رفتار عادلانه و ظالمانه بی‌پاسخ نمی‌ماند و هر کس به پاداش و کیفر شایسته خود می‌رسد اجرای اخلاق را تضمین می‌کند. نکته دوم نیز که بیانگر اخلاق سودجویانه است، بر پایه محکمی استوار نیست، هر چند از دیدگاه پیشوایان دین مبین اسلام، بهترین نوع بندگی و نیکوترین عمل اخلاق آن است که با انگیزه‌هایی همچون شوق به بهشت و ترس از دوزخ همراه نباشد از آنجا که همه مؤمنان در یک سطح نیستند، در مراتب پایین سلوک اخلاقی چنین انگیزه‌هایی نیز پذیرفتنی است. (مصباح یزدی، ۱۳۶۷، ص ۸۸-۹۶)

اما این که برخی به طمع بهشت و یا ترس از جهنم خداوند را عبادت کنند به اصل مطلب زیان نمی‌رساند زیرا همه افراد که به این شکل عبادت نمی‌کنند و نیت آنها تنها سود نیست. بسیاری از افراد هستند که عبادت الهی را فقط به خاطر شایستگی ذات الهی و سزاوار عبادت بودن انجام می‌دهند.

۳. نفی وابستگی اخلاق به دین

۳-۱. نفی وابستگی اخلاق به دین در تعریف

برخی از طرفداران اخلاق دینی مدعی‌اند برای تعریف مفاهیم اخلاقی همانند: خوب و بد، باید و نباید، درست و نادرست و وظیفه، نیازمند باور دینی هستیم. یعنی تعریف مفاهیم اخلاقی به گزاره‌های دینی وابسته است. برای نمونه اگر بپرسند «خوب چیست و چه تعریفی دارد» در پاسخ باید گفت: خوب آن چیزی است که خدا بدان فرمان داده است. و باز اگر بپرسند که بد چیست باید پاسخ داد: بد آن چیزی است که خدا از آن نهی کرده است. بنابراین می‌بینیم که



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز
پرتال جامع علوم انساني

پذیر نمی‌باشند. در مقابل طرفداران اخلاق سکولار این نوع وابستگی را قبول ندارند. بنابراین به این نوع وابستگی اشکالاتی وارد می‌دانند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

اشکال: اگر ما قائل به وابستگی باشیم، این به معنای اتکای اخلاق به جهان‌بینی دینی است؛ بدین معنا که تعهد اخلاقی تنها در سایه پذیرش باورهای متافیزیکی ویژه‌ای در باب جهان و انسان معقول و معنادار می‌شود. به بیان دیگر باید از سوی به «رابطه انسان با مبدء» و از سوی دیگر به «رابطه انسان با معاد» توجه کرد. (سربخشی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۶)

به اعتقاد ما گزاره‌های اخلاقی در مقام توجیه نیازمند دین هستند. یعنی اگر بخواهیم عمل به گزاره‌ها و ارزش‌های اخلاقی، معقول و منطقی باشد، باید برخی از باورهای دینی را پذیرفته، به آنها معتقد شویم. استاد مصباح در این باره چنین می‌فرماید: ارزش‌های اخلاقی که اسلام مطرح می‌کند با توجه به جهان‌بینی ویژه و مورد قبول خویش خواهد بود، پس ما نمی‌توانیم در چارچوب مکتب اسلام، یک نظام اخلاقی منهای اعتقاد به مبدء و معاد مطرح کنیم؛ زیرا، چنین نظامی نمی‌تواند نظام اخلاقی اسلام باشد؛ بلکه، اخلاقی غیر اسلامی و یا حداکثر، اخلاقی التقاطی خواهد بود. در مکتب‌های التقاطی، این طبیعی است که طرفداران آنها در اعتقادشان الهی و خداشناس باشند و در اخلاق و زندگی خود، همه چیز را فراموش کنند؛ ولی، نظام اخلاقی اسلام با جهان‌بینی خود ارتباطی ناگسستنی دارد و مفاهیم ارزشی مورد قبولش نیز از آن نشأت می‌گیرد. وقتی می‌گوید: چیزی خوب است رابطه‌اش را با مبدء و معاد ملحوظ داشته است و حتی هنگامی که از فلاح و رستگاری انسان سخن به میان می‌کشد نیز رابطه‌اش با مبدء محفوظ است به این معنا که فلاح و فوز، رحمت خداوند است که به عنوان اجر و پاداش به شما اعطاء می‌کند و توجه به مطلوب نهایی زندگی، سعادت و فوز و فلاح نیز نباید جدا از توجه به خدا باشد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ جلد ۱، ص ۹۴)



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

است که دستورات اخلاقی را در هر مورد خاص با حدود خاص خودش، با شرایط و لوازمش تبیین می‌کند و عقل به تنهایی از عهده‌ی چنین کاری بر نمی‌آید. (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص ۲۳۰-۲۳۳)

۳-۴. نفی وابستگی اخلاق به دین در تضمین

وابستگی اخلاق به دین در تضمین، یعنی عمل به همه یا برخی ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی به همه یا برخی از گذارهای دینی وابسته است. که نسبت به آن اشکالاتی مطرح شده است.

اشکال: این که داورهای اخلاقی به خودی خود برانگیزنده و محرک نمی‌باشند و تنها از راه دین تامین می‌شود و منحصر در دین است یک حالت افراطی است. چرا که انگیزه‌های دینی و اخلاقی در برخی از موارد هم‌پوشانی دارند ولی در موارد دیگری از هم جدا هستند. (فناپی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۱)

آیت الله مصباح می‌فرماید: این که اخلاق در برخی موارد نیاز به دین دارد و دین به عنوان ضمانت اجرایی اخلاق هست شاید بر کسی مخفی نباشد بنابر این می‌توان گفت که بدون دین و برخی آموزه‌های دینی، همچون اعتقاد به عدالت الهی، وجود معاد و حسابرسی به اعمال بندگان، اکثریت مردمان چندان التزامی به اصول و ارزش‌های اخلاقی نخواهند داشت. در واقع مصلحت‌خواهی، خودگرایی و حب ذات در همه مسائل، از جمله مسائل اخلاقی، گریبان‌گیر عموم انسان‌هاست، و کمتر کسی را می‌توان یافت که صرفاً به دلیل عشق به حقیقت و عشق به خداوند، به ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای دینی پایبند باشد. بسیاری به سبب شوق به بهشت و نعمت‌های آن و بسیاری دیگر به دلیل هراس از جهنم و ندمت‌های آن است که به رفتارهای اخلاقی تن می‌دهند و خود را مقید به انجام کارهای خوب و ترک



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. سربخشی، محمد، (۱۳۸۸) اخلاق سکولار، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، اول.
۳. فرانکنا، ویلیام کی، (۱۳۷۶) فلسفه اخلاق، ترجمه هادی صادقی، قم، طه، اول.
۴. فنایی، ابوالقاسم، (۱۳۷۵) در آمدی بر فلسفه دین و کلام جدید، قم، انتشارات اشراق، اول.
۵. _____، (۱۳۸۴) دین در ترازوی اخلاق، تهران، صراط، دوم.
۶. کانت، ایمانوئل، (۱۳۸۴) درس‌های فلسفه اخلاق، ترجمه منوچهر صانعی در بیدی، تهران، قش و نگار، سوم.
۷. کاپلستون، فردریک، (۱۳۸۲) تاریخ فلسفه غرب، ج ۶، ترجمه اسماعیل سعادت، منوچهر بزرگ مهر، تهران، سروش، سوم.
۸. عالمی، محمد، (۱۳۸۹) رابطه دین و اخلاق، قم، بوستان کتاب، اول.
۹. مدرسی، سید محمد رضا، (۱۳۷۱) فلسفه اخلاق، تهران، سروش، اول.
۱۰. مسکو، یه، ابو علی، کیمیای سعادت، ترجمه زنجانی، تصحیح ابوالقاسم امامی، تهران، نشر نقطه، اول.
۱۱. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۸۸) پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، دوم.
۱۲. _____، (۱۳۸۴)، آموزش عقاید، قم، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ج ۲، چاپ هفدهم.
۱۳. _____، (۱۳۹۱) اخلاق در قرآن جلد اول، تحقیق و نگارش، محمدحسین اسکندری، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۳، پنجم.
۱۴. _____، (۱۳۸۹) فلسفه اخلاق، موسسه امام خمینی، قم، اول.
۱۵. _____، (۱۳۸۷) نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، موسسه امام خمینی، قم، دوم.
۱۶. _____، (۱۳۹۱)، نظریه سیاسی اسلام جلد اول، تحقیق و نگارش، کریم سبحانی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ششم.
۱۷. _____، (۱۳۹۱)، نظریه سیاسی اسلام جلد دوم، تحقیق و نگارش، کریم سبحانی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ششم.
۱۸. _____، (۱۳۶۷)، دروس فلسفه اخلاق، موسسه در راه حق، قم، اول.
۱۹. _____، (۱۳۹۱) حقوق و سیاست در قرآن. نگارش: شهید محمد شهبابی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی: چهارم.
۲۰. _____، (۱۳۹۰) جامعه و تاریخ از نگاه قرآن، ناشر: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، اول.
۲۱. _____، (۱۳۸۳) آموزش فلسفه (جلد اول) ناشر: شرکت چاپ و نشر بین الملل چهارم.
۲۲. _____، (۱۳۸۶) اصلاحات ریشه‌ها و تیشه‌ها، ناشر: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، سوم.



پښتو پوهنتون د علومو او مطالعاتو مرکز
پرتال جامع علومو انساني